سینما

ارشاد انتصاب انتظامی به معاونت سینمایی را تکذیب کرد

در پی برخی شایعات در شبکه‌های اجتماعی پیرامون انتصاب سرپرست سازمان سینمایی، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت ارشاد گفت انتصاب ۴ مدیر جدید وزارتخانه به صورت همزمان انجام خواهد شد. به گزارش «وطن امروز» به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همایون امیرزاده، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تاکید بر اینکه خبر هر گونه تغییر یا انتصاب جدید در این وزارتخانه از جمله انتصاب حسین انتظامی به معاونت سینمایی از طریق مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی اعلام می‌شود، افزود: در حال حاضر آقای دکتر صالحی به منظور شرکت در هفتمین همایش بین‌المللی فرهنگی سن‌پطرزبورگ و سخنرانی در نشست تخصصی این همایش در مسکو به سر می‌برد و هیچ حکم انتصابی از سوی ایشان صادر نشده است. امیرزاده در پایان گفت: همان‌طور که قبلا و در زمان ابلاغ قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان اعلام شد، ۴ مدیر ارشد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشمول این قانون هستند و در پایان مهلت قانونی، احکام مدیران جایگزین به صورت همزمان صادر و از طریق مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی اعلام می‌شود.

جشنواره مقاومت

«هفته سینمای مقاومت» در لبنان برگزار می‌شود

با امضای یک تفاهمنامه، پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» در قالب «هفته سینمای مقاومت» در کشور لبنان برگزار می‌شود.

به گزارش «وطن امروز»، با امضای تفاهمنامه‌ای بین محمد خزاعی دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» و شیخ علی ضاهر رئیس موسسه الرسالات لبنان، پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «مقاومت» در قالب «هفته سینمای مقاومت» در کشور لبنان برگزار می‌شود. «هفته سینمای مقاومت» در لبنان آغاز سلسله هفته‌های سینمای مقاومت در این دوره است که طی روزهای ۱۲ تا ۱۵ آذر ماه در شهر بیروت برگزار می‌شود. فیلم‌های سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر، «ماجرای نیمروز» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، «امپراطور جهنم» به کارگردانی پرویز شیخ‌طادی و «تنگه ابوقریب» به کارگردانی بهرام توکلی از جمله فیلم‌هایی است که در «هفته سینمای مقاومت» در لبنان به نمایش درمی‌آیند. همزمان با برگزاری جشنواره بین‌المللی «مقاومت» در لبنان، جمعی از سینماگران ایرانی نیز به این کشور سفر می‌کنند. نمایش فیلم‌های ایرانی، سخنرانی دبیر جشنواره فیلم «مقاومت» و تعدادی از سینماگران، برپایی جلسات نقد و بررسی و نشست پرسش و پاسخ با رسانه‌ها از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی شده در این هفته فیلم است.

موسیقی

شنبه‌های انقلاب به «سرود و موسیقی» رسید

کارنامه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی در حوزه «سرود و موسیقی» امروز در سی‌ویکمین نشست شنبه‌های انقلاب بررسی می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، سی‌ویکمین نشست شنبه‌های انقلاب با موضوع «سرود و موسیقی» و با هدف تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی در این حوزه، امروز (شنبه ۲۶ آبان) برگزار می‌شود. در این مراسم، اساتید و صاحب‌نظرانی همچون محمدعلی گلریز خواننده سرودهای انقلابی، رضا مهدوی پژوهشگر، مؤلف و منتقد حوزه موسیقی و از پایه‌گذاران و مدیران هنرستان موسیقی حوزه هنری و موسیقی دانشگاه سوره سازمان تبلیغات اسلامی، هوشنگ جاوید مدیر و طراح نخستین جشنواره نی‌نوازی حوزه هنری و مدیر و طراح نخستین جشنواره هنرهای قرآنی وزارت ارشاد اسلامی، هادی منتظری نوازنده و مدرس مشهور کمانچه در ایران و عضو شورای شعر و موسیقی مرکز سرود و موسیقی صداوسیما، هادی آرزم آهنگساز انقلابی و سرپرست ارکستر موسیقی سنتی ایران و عضو شورای موسیقی تالار وحدت و جمع دیگری از کارشناسان و نخبگان، دستاوردهای ۴۰ سال انقلاب اسلامی را در این حوزه، مورد بررسی قرار خواهند داد. این نشست صبح امروز ساعت ۹:۳۰ در سالن جلسات معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واقع در میدان بهارستان، جنب ایستگاه مترو، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود.

درباره اعتراض مردم به آثار پرستاره‌ای که نه فیلم هستند نه کمدی

مخاطبان عصبانی و دروغی به نام کمدی!

محسن شهمیرزادی: تغییر یافتن ذائقه سینمایی مخاطب ایرانی باعث شده است فیلم‌های تجاری سینمای ایران به سمت الگوهای مشابهی حرکت کند؛ الگوهای مشترکی که با تلاش حداقلی سود کلانی در گیشه به دست می‌آورند، قصه‌ای با شوخی‌هایی از تناقض‌های جامعه ایرانی به‌علاوه ترکیبی از کنایه‌های جنسی و سیاسی به‌علاوه رضا عطاران، جواد عزتی یا حتی حمید فرخ‌نژاد و... که ترفندی تضمین‌شده برای تسخیر گیشه است. برای مخاطبی هم که سینما آمدنش مساوی با سپری کردن اوقات فراغت با خنده و سرگرمی است، این گزینه می‌تواند در بیابان کمدی ایران راضی‌کننده باشد. اما این الگو برای فیلم‌هایی که در حالت عادی نمی‌توانند برای مخاطب جذابیتی داشته باشند، باعث شده به قیمت «فریب» مخاطب هم که شده او را پای فیلم‌های دوست‌نداشتنی‌شان بنشانند. فیلم‌هایی که نه در فیلمنامه قوتی دارند و نه در کارگردانی، حتی محتوای تلخ و یأس‌آلود آنها هم بر دیگر وجوه‌شان غلبه دارند اما با این وجود تلاش دارند در کنار استفاده از سلبریتی‌های کمدی سینما و تبلیغاتی شاد و طنزآلود، مخاطب را برای آمدن به سینما تحریک کنند. اتفاقی که بارها توانسته روی فروش این آثار تاثیر بسزایی بگذارد اما مدتی است تکرار این «فریب» موجب خشم مخاطبان سینما از صاحبان آثار آن شده است. این روزها «لس‌آنجلس- تهران» و «خانم یایا» نه‌تنها توفیق چندانی در گیشه نداشتند که با تندترین انتقادات مردم در فضای مجازی روبه‌رو هستند.

■ دروغ شاد برای فیلم‌های تلخ

سال گذشته اکران «سارا و آیدا» حواشی بسیاری برای این فیلم و عوامل آن به وجود آورد؛ حاشیه‌هایی که در «وطن‌امروز» نیز با عنوان «ترفند تیزرهای شاد برای فیلم‌های تلخ» به آن پرداختیم. فیلمی اجتماعی و تلخ که تنها یک سکانس نسبتا شاد در ابتدای آن قرار داشت (سکانس دابسمش پگاه آهنگرانی و غزل شاکری از آهنگ مشهور حامد همایون). عمده تبلیغات این فیلم تلخ و یأس‌آلود بر محور تک‌سکانس شاد سارا و آیدا بود به گونه‌ای که مخاطب غیرمطلع از قصه اصلی فیلم در نگاه اول تصور می‌کرد قرار است با یک فیلم عاشقانه و پرانرژی و شاید دخترانه روبه‌رو شود، غافل از اینکه فضای کلی فیلم اساسا تلخ است و با آنچه در این تیزر نمایش داده می‌شود، تفاوت اساسی دارد. اگرچه سارا و آیدا به فروش ۳ میلیاردی رسید اما حس تلخ فریبی که مخاطبان پس از اتمام فیلم حس می‌کردند، باعث شد عوامل این فیلم مورد سرزنش مخاطبان قرار گیرند. اتفاقی که در فیلم تلخ «آذر» به تهیه‌کنندگی نیکی کریمی نیز تکرار شد و شاید تنها سکانسی که شخصیت اول این فیلم یعنی نیکی کریمی در آن می‌خندد، تبدیل به پوستر شاد این فیلم سیاه شد. آذر البته به فروش یک میلیاردی نیز دست پیدا نکرد اما بار دیگر مخاطبان را نسبت به این اثر برآشفت.

■ دردسرهای شوخی‌های یک خانم اجتماعی‌ساز

حضور «خانم یایا» و «لس‌آنجلس- تهران» بر پرده سینما، بسیاری از مخاطبان کمدی ایران را مشتاق دیدن این ۲ اثر کرد. لس‌آنجلس - تهران فیلمی از تیناپاکروان است که با تیزری شاد و مرتبط با وقایع روز دنیا، پرویز پرستویی را پس از سال‌ها به عنوان یک بازیگر کمدی مطرح می‌کند. پاکروان که سابقه‌ای تماما اجتماعی داشته و حضورش در فیلم‌های اجتماعی تلخ پررنگ بوده است، برای نخستین‌بار در قامت نویسنده و کارگردان یک فیلم کمدی برآمده است. فیلمی با معمول‌ترین فرمول کمدی؛ پیرنگ جابه‌جایی و اشتباه گرفتن یک آدم به جای دیگری. این فیلم نه به جهت تفاوت مضمون فیلم و تبلیغات، بلکه به‌خاطر ضعف فراوانش بار دیگر خشم مخاطبان سینما را برانگیخت. عمده اعتراض‌ها نه به تینا پاکروان، بلکه خطاب به پرویز پرستویی و مهناز افشار بود، آن هم از این جهت که چگونه در این اثر به مراتب ضعیف حضور پیدا کرده‌اند و مخاطبان نیز به اعتبار این بازیگران به تماشای فیلم نشسته‌اند. در یکی از کامنت‌ها ذیل پست پرویز پرستویی آمده بود: «سلام جناب پرستویی عزیز! ازتون گله‌مندم. راستش نمی‌دونم چه دلیلی پشت قبول بازیگری در فیلم بشدت ضعیف تهران -لس‌آنجلس داشتید، ولی من به‌شخصه تنها و تنها به دلیل حضور شما پس از سال‌ها در یک نقش طنز و به انتظار دیدن اثری مثل مارمولک و مومیایی و لیلی با من است و... دیشب بلیت خریدم و بشدت ناراضی هستم از اینکه احساس می‌کنم وقت و اعصاب و پولم رو به باد دادم واسه دیدن اثری که حتی ارزش ۵ دقیقه وقت گذاشتن هم نداره». اعتراض‌ها به حدی رسید که عوامل فیلم از جمله این ۲ بازیگر مجبور به واکنش شدند، البته استدلال‌های مشابه آنها این بود که مخالفت‌ها «سلیقه‌ای» است و مخالفان «شمشیر از رو بسته‌اند». این در حالی بود که عمده مخاطبان از ضعف قصه، فیلمنامه و شوخی‌های فیلم ضعیف پاکروان برآشفته بودند. تینا پاکروان نیز انتقادات را به عصبانیت مردم و شرایط آب‌وهوایی و اقتصادی و سیاسی نسبت داد و گفت: «خیلی متاسفم از اینکه مردم ما اینقدر حال‌شان خوب نیست و اینقدر فکر می‌کنند ما از خودشان نیستیم. در شرایط، دوران تاریخی و موقعیتی زندگی می‌کنیم که به لحاظ اقتصادی، سیاست بین‌المللی و اجتماعی فشار روی همه ما خیلی زیاد است. ما در تحریم‌های بین‌المللی در شرایطی ویژه هستیم، در شرایطی که الان قرار است بعضی از اقلام اساسی کوپنی شوند، بنزین گران شود و از همه لحاظ فشار روی‌مان است. دلار و طلا بالا رفته، وضع معیشت مردم سخت شده».

■ «هیچ» بهتر از «یایا»

اما اثر جدید عبدالرضا کاهانی، یعنی «خانم یایا» شرایطی متفاوت داشت. کارگردان فیلم‌هایی چون «هیچ»، «بی‌خود و بی‌جهت» و... رضا عطاران را به همراه حمید فرخ‌نژاد و امین حیایی بازیگران فیلمی ساخته که در «پاتایا» روایت می‌شود. فیلمی که در آن آدم‌هایی با عقاید سنتی به پاتایا رفته و در آنجا با تناقض‌هایی روبه‌رو می‌شوند. نه‌تنها ایده یک خطی فیلمنامه «خانم یایا» بلکه تیزرهای تبلیغاتی این فیلم نیز طنزآلود است اما از آنجایی که فیلم کاهانی در جشنواره فجر و سایر جشنواره‌های سینمایی نیز اکران نداشت، هیچ پیش‌فرضی از جانب منتقدان و اهالی رسانه نسبت به این فیلم نبود و تقریبا همه اذعان داشتند که کاهانی فیلمی کمدی را با بازی عطاران و فرخ‌نژاد جلوی دوربین برده است. بعد از تجربه پرفروش چند روز اول، مخاطبان عصبانی‌تر از همیشه به صفحات مجازی عوامل این فیلم تاختند. حمید فرخ‌نژاد در واکنش به انتقادات پیرامون این فیلم در پستی با بیان اینکه مخاطبان نسبت به او نباید انتقادی داشته باشند، نوشت: «همانگونه که از طرف تهیه‌کنندگان محترم عنوان شده این فیلم وجاهت طنز ندارد ولی متاسفانه به‌دلیل نوع تبلیغات توقع یک فیلم طنز برای مخاطب به‌وجود آمده که متاسفانه موجبات عدم رضایت بعضی از تماشاگران رو به‌وجود آورده، لازمه تاکید مجدد کنم این فیلم طنز نیست و منم تهیه‌کننده فیلم نیستم و لطفا به جون من غر نزنید».

■ بازیگران و ضربه به اعتباری که بود!

در این‌باره اما مساله فقط ترفند تیزر شاد برای فیلم معمولی کاهانی نیست، بلکه این بار هم ضعف ساختاری «خانم یایا» پشت سلبریتی‌های پرفروش پنهان شده و مخاطبان تنها وقتی متوجه ضعف این فیلم می‌شوند که از سالن سینما بیرون آیند. از همین رو این فیلم نیز مانند لس‌آنجلس- تهران پس از تجربه یکی، دو روز پرفروش، روندی نزولی را در گیشه تجربه کرد. مهم‌تر از آن اعتباری است که مخاطب سینما برای بازیگرانی چون رضا عطاران قائل می‌شد. اعتباری که کم می‌شود و اعتمادی که از بین می‌رود. سیدضیاء هاشمی، رئیس هیات‌مدیره شورای عالی تهیه‌کنندگان نیز در همین‌باره اظهار داشت: «در بین کمدی‌های اکران شده فیلم سینمایی «خانم یایا» ساخته عبدالرضا کاهانی برای بسیاری سوال‌برانگیز است، این نکته را باید گوشزد کنم کارگردان اثر تاکید دارد که فیلم کمدی نیست اما از ستارگان آثار کمدی برای بازی در این فیلم استفاده کرده است. اینکه بازیگران تشخیص دادند خود را در عرصه دیگری محک بزنند و در بوته نقد مخاطب قرار دهند امری است که باید خود پاسخگو باشند اما مخاطب به دلیل حضور بازیگران مطرح سینمای کمدی وارد سالن می‌شود و فیلم دلخواه خود را نمی‌یابد. به نظرم در وهله اول به سابقه و برند بازیگران کمدی این فیلم لطمه می‌زند و در درجه بعدی فیلمساز مورد نقد قرار می‌گیرد، زیرا بازیگران هستند که نقش را خوانده و انتخاب کرده‌اند و به دلیل حضور بازیگران، مخاطب فیلم را انتخاب کرده و اینجاست که قضاوت مخاطب نسبت به بازیگران این عرصه تغییر می‌کند».

نگاه

نگاهی به مستند «روزگار اکبر» اثر برگزیده هفتمین جشنواره فیلم عمار

قهرمانی‌های یک مرد بی‌ادعا

میلاد حبیبی: اسمش «اکبر» بود، از آن اکبرهای واقعی. ساکن یکی از روستاهای دورافتاده ایلام محروم. شغل زیبایی داشت. کشاورزی می‌کرد و در کنارش به کارهای زیادی مشغول بود. قد متوسطی داشت اما دستش به خیلی جاها می‌رسید. پینه پیشانی‌اش با آدم حرف می‌زد. انحنای کمرش از روزگار سختش حکایت داشت. دستان زبر و پینه‌بسته‌اش بوی گندم، برکت و نور می‌داد. او این حجم از صبر، استقامت و امید را از کجا آورده بود؟

وقتی مستند «روزگار اکبر» را دیدم، خون در رگ‌هایم یخ زد و عرق سرد خجالت روی پیشانی‌ام نشست. در روزگاری که دالان‌های ذهن و ضمیر جامعه پر از ناامیدی و افسردگی است و غالباً همه سعی می‌کنند از پیش بازنده باشند، اکبرآقا آدم را می‌کشاند پای میز محاکمه. جرم ما این است که هیچ وقت اکبر آقاها را جدی نگرفته‌ایم، پیدایشان نکرده‌ایم، تحویل‌شان نگرفته‌ایم، نشناختیم‌شان و از همه بدتر طردشان کرده‌ایم. همان قدر که سانسورچی‌ها در القای ناخوشی و ناکامی موفقند، ما هم در پاسداشت و بازتولید اکبرآقاها منفعلیم.

اکبر آقا عجب آداب خوشی برای زندگی دارد. انگار لباس امید را تک سایز به تن او دوخته‌اند. نه؛ روزگار اکبر روزگار ما نیست. روزگار او فرسنگ‌ها با روزگار ما فاصله دارد. او اهل این مختصات مکانی و زمانی نیست. اگرچه اوضاع زندگی‌اش با شرایط ایده‌آل فاصله داشت اما هرگز اجازه نداد سایه ناامیدی و رخوت آسمان زندگی‌اش را تاریک کند! اکبرآقا با وجود تمام کسالت‌ها و بیماری‌ها، کانون رفع کاستی‌ها و کمبودها و مشکلات پیرامونش بود. سازمان‌ها و ساختارها را به خدمت می‌گرفت تا موانع را مرتفع کند. او در روستایشان نه دهیار بود نه شورا اما خودش را به صورت پیش‌فرض مسؤول برطرف کردن مشکلات مردم می‌دانست. انقلابی‌گری دقیقا ذیل همین گفتمان معنا و مفهوم پیدا می‌کند یعنی کاستن و برطرف کردن مشکلات مردم. اگر پلانی که اکبر آقا می‌گوید «مادرزاد نابینا هستم» را از مستند جدا کنند، قطعا هیچ کس متوجه نخواهد شد که او از نعمت دیدن محروم است، البته به ظاهر! او حتی موقع راه رفتن، برای پیدا کردن مسیر طوری عصایش را با صلابت به زمین می‌کوبید که کسی ذره‌ای سستی و تزلزل در وجودش احساس نمی‌کرد. روستای‌شان در سراشیبی بود. مردم روستا شرایط مناسبی برای زندگی نداشتند؛ حالا باورت می‌شود اکبر آقا آنقدر رفته و آمده بود تا توانسته بود محل روستا را جابه‌جا کند و در یک منطقه هموار و مناسب، روستایشان را از نو بسازد؟! بگذریم؛ با اهل فرار نباید از این دست مسائل دردسربرانگیز مطرح کرد!

اکبر آقا سرطان هم داشت. با وجود اینکه شیمی‌درمانی زندگی‌اش را دچار اخلال شدیدی کرده بود اما او سخت‌تر و نشکن‌تر از این حرف‌ها بود که بخواهد به خاطر بیماری همه چیز را تمام شده بداند. ننشست گوشه خانه و زانوی غم بغل بگیرد تا دیگران برای ادامه زندگی به او انگیزه بدهند! خیالت راحت؛ هیچ‌وقت قهرمان‌ها اسیر سرنوشت نمی‌شوند و محتاج لطف این و آن نمی‌مانند. شیمی‌درمانی و داروهایی که به خوردش دادند بعد از چند وقت باعث شد کلیه چپش را از دست بدهد. اینگونه است. هر که در این بزم مقرب‌تر است، این هم جام بلایی دیگر. اما اکبر آقا بیش از پیش راضی است به رضای خدا. بعد از مدتی به خاطر سنگینی کار، اسیر دیسک کمر شد اما باز هم از پا درنیامد. با آن تن پرتوان و روحیه غیرتمند، لوله‌کشی کرد و برای نجات مردم از خشکسالی آب به روستا آورد و زندگی اهالی را رونق داد. صدها هکتار زمین را زیر گندم برد، دامداری کرد و مرغداری راه انداخت و دست جوانان روستا را بند کار کرد. آیا کسی می‌تواند مانند او به این زیبایی واژه‌های زندگی، امید و غیرت را هجی کند؟! ای کاش لغت‌نامه‌ای بود که هرگاه کلمه «قهرمان» را جست‌وجو می‌کنی، نام امثال «اکبر محمدزاده»ها را به ما نشان بدهد. ای کاش خدا به زاویه دوربین‌ها و جوهر قلم‌ها برکتی بدهد تا بتوانند این اسطوره‌های بی‌بدیل این خاک پاک پرگهر را بیابند و آنها را برای مردم ماندگار کنند.

اکبر آقا یک هفته‌ای می‌شود که رفته است. یک هفته است که اهالی روستای لرینی و ۵ فرزند و همسرش دیگر صدای اذانش را از مناره مسجدی که خودش با کمک اهالی روستا ساخته بود، نمی‌شنوند. اکبر آقا یک هفته است که دیگر خاطره شده است. دست مریزاد به قدرت باقری که قدرتمندانه در انتخاب قهرمانش متفاوت عمل کرد و ما را با دنیای شورانگیز اکبرآقا گره زد... پاس نداشتن اکبرآقاها رستگاری جامعه ما را غیرممکن می‌کند. افسوس که هنوز جامعه ما قدر قهرمانان زنده را نمی‌داند... گفتنی است «روزگار اکبر» مستندی به کارگردانی قدرت باقری است که در هفتمین جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش درآمد و به خاطر سوژه جذاب خود هم در اکران‌های مردمی این جشنواره و هم در رسانه ملی، با استقبال خوبی مواجه شد. حاج اکبر محمدزاده، قهرمان این مستند، با وجود نابینایی، نداشتن یک کلیه و مبارزه با سرطان، شخصی فعال در روستا بوده و با همت، پشتکار و پیگیری‌هایش مشکلات روستا را هم حل و فصل می‌کرده است. حاج اکبر مدتی پیش، بعد از اربعین حسینی درگذشت.

رویداد

گزارش «وطن امروز» از نشست و همایش شناخت الگوی جوان امروزی در آیین بزرگداشت علامه قاضی

علامه قاضی، الگوی حقیقی عرفان برای جوان امروز

گروه فرهنگ و هنر: مرحوم علامه سیدعلی قاضی همان سیدالعرفایی است که این روزها خیلی‌ها را به بهانه الگو گرفتن از عرفان و سیر و سلوکش گرد هم آورده است. تا همین ۳۰ و اندی سال پیش چراغ زندگی زمینی‌اش در این پهنه گیتی روشن بود و حالا یاد و نامش در جوار بارگاه علی بن موسی الرضا(ع) و در خاطر زائران و مجاوران مشتاق عرفان متبلور شده است. به گزارش «وطن امروز»، صبح پنجشنبه ۲۴ آبان مشهد میزبان فرهیختگانی از سراسر کشور، اهالی هنر و رسانه و فعالان فرهنگی و اجتماعی بود. گرد هم آمده بودند تا از گمشده این روزهای نسل جوان بگویند؛ عرفان و الگویی عارف برای نسل جوان امروزی. امیرحسین بانکی‌پور، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در این نشست غفلت نسبت به مباحث توحیدی را غفلت بزرگی عنوان کرد به طوری که نسل امروز نسبت به این مباحث عطش شدیدی دارد. به اعتقاد او، سیره عملی و رفتاری علامه سیدعلی قاضی می‌تواند به عنوان الگویی موفق برای نسل جوان معرفی شود و برای نفوذ به نسل جوان باید با زبان توحید با آنها سخن گفت. بسیاری از مشکلات جامعه به خاطر دوری از توحید است در حالی که توحید افعالی و نظری علامه قاضی می‌تواند راهگشای مشکلات باشد. محمد شجاعی، مدیر موسسه فرهنگی منتظران منجی(عج) و از میهمانان این نشست بر این باور است که کار فرهنگی بسیاری در جامعه انجام می‌شود اما نتیجه مطلوبی ندارد. او شادی و نشاط را لازمه ایمان می‌داند و برای اثرگذاری بر نسل جوان زبان هنر را مهم می‌داند. محمدزاده، مدیر شبکه قرآن در این جمع فرهیختگانی از صنعت فیلمسازی و قهرمان‌سازی می‌گوید؛ از قهرمانان ساختگی غرب و از کم پرداختن به قهرمانان واقعی ایران‌زمین. او معتقد است آیت‌الله قاضی در همه ابعاد ظرفیت برنامه‌سازی را دارد و پرداختن به چنین اشخاصی از وظایف رسانه است. ابوالقاسم طالبی، کارگردان فیلم «یتیم‌خانه ایران» نیز معتقد است باید با شعر، تصویر، فیلم، بیان زیبا و حالات زیبا با جوان امروز و به زبان امروز با او سخن گفت. حجت‌الاسلام والمسلمین وکیلی، نویسنده و پژوهشگر مدعو در این مراسم به معرفی شاخصه‌های مکتب عرفانی نجف می‌پردازد. او توحید و ولایت را از شاخصه‌های این مکتب عنوان می‌کند و مساله سوم در طریقه آیت‌الله قاضی را مساله عشق و محبت می‌داند. می‌گوید مساله محوری چهارم طریقه معرفت‌النفس است و مساله پنجم التزام کامل به شریعت است و مساله ششم جمع بین ظاهر و باطن است که عرفان مرحوم قاضی و شاگردانش یک عرفان گوشه‌گیری از اجتماع نیست و کاملا قابل الگوسازی است. آیت‌الله صدیقی هم رستگاری را رسیدن به قله و عبور از موانع می‌داند و می‌گوید تا هنگامی که انسان خود را پاک نکند به کمال نمی‌رسد و انسان باید موانع بزرگی همچون نفس اماره که بین خود و خداست را کنار بزند تا به مدارج عالی برسد.

گیشه

شتاب‌گیری فیلم‌ها در گیشه هفتگی سینمای ایران

فروش فیلم‌های سینمای ایران طی هفته گذشته شتاب گرفت و «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از ۱۰ میلیارد تومان عبور کرد. به‌گزارش فارس، سینمای ایران در هفته‌ای که گذشت، فروش نسبتاً خوبی را تجربه کرد و به نظر می‌رسد نسبت به هفته‌های گذشته شتاب بیشتری پیدا کرده است. از بین فیلم‌های در حال اکران سینمای ایران، فیلم‌های «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، «لس‌آنجلس-تهران» و «لازانیا» توانستند مخاطبان بیشتری را به سمت سالن‌های سینمایی جذب کنند. براین اساس، تاکنون مجموع فروش فیلم‌های «مغزهای کوچک زنگ زده» ۱۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان، «لس‌آنجلس- تهران» ۶ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان، «تنگه ابوقریب» ۵ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان، «لازانیا» ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان، «هشتگ» ۳ میلیارد تومان، «پیشونی سفید۲» ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، «عرق سرد» یک میلیارد و ۸۷۰ میلیون تومان، «خانم یایا» یک میلیارد و ۱۰۰میلیون تومان و «گرگ بازی» ۷۰۰ میلیون تومان فروش داشته‌اند.

کتاب

بهزاد بهزادپور «پروین» را راهی بازار کرد

انتشارات «کتاب نیستان» ۲ اثر تازه با عنوان «پروین» و «ویرایش یازدهم» را روانه بازار کتاب کرد. به گزارش مهر، «پروین» فیلمنامه‌ای است از بهزاد بهزادپور که در ژانر اجتماعی نوشته شده و روایتی اجتماعی و گاه با تمی طنزآلود است. روایت مصائب زندگی دختری با نام پروین که در یک درمانگاه به فعالیت مشغول است و مواجهه مخاطب با زندگی او که به دلیل سیل پیشامدهای مختلف دچار اتفاقات عجیب و دردناکی شده است. «پروین» با این مقدمه نه یک فیلمنامه اجتماعی انتقادی صرف که راوی نوعی نگاه شخصی انتقادی به واقعیت‌های اجتماعی پیرامون نویسنده آن است که سعی کرده به آن وجهی دراماتیک و داستانی نیز ببخشد و از این منظر مخاطب خود را به آنها حساس کند. کتاب نیستان از این هنرمند تاکنون آثاری چون «شومن»، «فوق‌سری» و «امپراطور عشق» را منتشر کرده است. فیلمنامه «پروین» را کتاب نیستان در ۱۶۴ صفحه و با قیمت ۱۸ هزار تومان روانه بازار کرده است. کتاب «ویرایش یازدهم» نیز مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه برگزیده جایزه ادبی «اُهنری» در سال ۱۹۹۰ را شامل می‌شود که با ترجمه لیدا طرزی منتشر شده است. کتاب «ویرایش یازدهم» از منظر ادبی اثر قابل تاملی است. نمایشی از ادبیات داستانی آمریکا در آغاز دهه پایانی قرن بیستم؛ دهه سرعت گرفتن انقلاب‌های دیجیتالی و تغییرات لحظه‌ای جهان و زیست و زندگی مردم در آن و در این میان ادبیات تنها مرجعی است که درون و ذهن انسان در بستر این هجوم ثانیه به ثانیه و تحول و نو شدن آنی را به نمایش می‌کشد. مجموعه داستان «ویرایش یازدهم» با ترجمه لیدا طرزی در ۲۴۴ صفحه و با قیمت ۲۷ هزار تومان منتشر شده است.

سینمای جهان

آخرین اطلاعات از پروژه جدید تیم برتون و دیزنی

کمپانی دیزنی تریلر جدیدی از دامبو، فیل گوش‌بزرگ و محبوب خود منتشر کرده است که جزئیات جدیدی از این داستان کلاسیک و آخرین ساخته تیم برتون بزرگ را فاش می‌کند. به گزارش مهر به نقل از مووی‌وب، کمپانی دیزنی تریلری از پروژه جدید خود یعنی «دامبو» منتشر کرد. نخستین تیزر دامبو تابستان امسال در اینترنت منتشر شد که این بچه فیل زیبای ساخت تیم برتون را آماده پرواز نشان می‌داد، حال با این تریلر جدید جزئیات بیشتری از پروژه دامبو مشخص شده است. دیزنی خبر ساخت دامبو را نخستین‌بار در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد اما یک سال طول کشید تا وجود نام تیم برتون، خالق فیلم‌های محبوبی چون «آلیس در سرزمین عجایب»، «ادوارد دست قیچی» و «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» به عنوان کارگردان پای این قرارداد فاش شود. فیلمنامه دامبو را ایرن کروگر نوشته و بازیگرانی چون کالین فارل، اوا گرین، مایکل کیتون و دنی دویتو در آن نقش‌آفرینی می‌کنند. دامبو نخستین‌بار در سال ۱۹۴۱ بر اساس داستانی به قلم هلن ابرسون روی پرده سینما آمد. طبق برنامه‌ریزی‌ها، قرار است «دامبو» ۲۹ مارس ۲۰۱۹ (۹ فروردین ۱۳۹۸) اکران شود.